

آنست که در خلق جهان نگاه کردم که هر بی رویی
ی گردن و بر او نفس میرفتند پس درین آینه اندیش کردم و با من خاف
مقام ربه و نبی النفس عن الهی فان بختی همی الماوی یقین دانستم که قرآن
حق است و صدق است پس بخلاف نفس برآمدم و در جایی ای که
بستم و او را در بونه نجا بهای نهادم و یک آرزوی نرادم تا در طاعت خدای
تعالی آرام گرفت شقیق گفت بابرک الله علیک نیکو کردی
گفت ای استاد درین خلق نگاه کردم دیدم که هر کسی درین عالم سعی و سعی
و ازین حطام دنیاوی چیزی حاصل کرده اند پس درین آینه نگاه کردم ما عذر کم یفتد
و ما عذر الله باقی پس حصول آن که در دنیا اند و خسته بودم در راه خدای عزوجل
نهادم و بر رویان اینا کردم و بود دعوت بخدای تعالی سپردم تا در حضرت
او اقلی باقی باشد و تو شنه راه آخرت کردم شقیق گفت بابرک الله تعالی علیک
یا حاجت نیکو کردی و نیکو کنی گفت ای شیخ در خلق نگاه کردم قوی را
دیدم که پنداشتم که شرف آدمی و عزت بکثرت اقوام است و عشایر تا لایح
قوی بدین افتخار گردند و قومی پنداشتمند که شرف و بزرگواری بکثرت اموال
و اولاد است و بدان افتخار گردند پس درین آینه تامل کردم آن که عذر
الله تمام دانستم که حق آنست و این گمانها همه خطاست پس تقوی اختیار
کردم تا در حضرت خدای کریمان با شکم گفت آنست یا حاجت که زیبا گفتی
گفت ای استاد درین خلق نگاه کردم دیدم که هر قومی بزرگان نکوش
میکردند چون بدیدم هم از حسد بود که بر دیگران می بردند سبب مال و جاه

پس درین آینه تامل سخن قضا پنجم معیشتهم پس دانستم که این قسمت در
ازل رفته است و کس را درین اختیار نیست پس بر کس حسد نبرم
و شصت خدای راضی شدم و با هر که درین جهان بود صلح کردم شقیق
گفت نیکو کردی ای شیخ درین خلق نگاه کردم دیدم که هر
قومی یکدیگر را دشمن می داشتند درین آینه تامل کردم آن که شیطان
لکه عدو و فتنه و عداوت دانستم که گفت خدای تعالی حق است هر چند
شیطان و اتباع او را دشمن نشاندند و است پس شیطان را دشمن
دانستم و اتباع او را فرمان ایشان نبردم بلکه فرمان خدای تعالی برودم و او
را پرستیدم و بندگی او کردم راه راست و طریق مستقیم آنست که حق
فرمود الم اعهد الیک یا بنی آدم ان لا تعبد الشیطان انه لکم عدو مبین
وان اعبدو فی هذا صراط مستقیم شقیق گفت نیکو کردی یا حاجت
ای شیخ درین خلق نگاه کردم که هر کسی در طلب عیش خود کوشش
عظیم می کرد و بدین سبب در جهنم می افتند و خود را خوار و
ذلیل می داشتند پس درین آینه تامل کردم و اطمینان دادم فی الارض الا علی
الله و ذوالقربان دانستم که قرآن حق است و من از جمله راههای نوری
پس بخدمت خدای تعالی مشغول شدم و دانستم که روزی من برساند
زیرا که ضمان کرده است شقیق گفت که نیکو و زیبا کردی
ای استاد درین خلق جهان نگاه کردم که هر کسی اعتمادی بخدای
کسی کرده اند یکی بزرگواری بسیم و دیگری بملک و مال و دیگری بخوف و دیگری